

بررسی و تحلیل پدیده دوزبانگی در شعر معاصر عربی (مطالعه مورد پژوهانه: دیوان "شوقیات" احمد شوقی)

روح‌الله صیادی نژاد*

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

علی نجفی ایوکی**

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

مرجان ژیان پور***

کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۲۵، تاریخ تصویب: ۹۶/۰۷/۰۱، تاریخ چاپ: مهر ۱۳۹۶)

چکیده

دوزبانگی، شاخه‌ای از جامعه‌شناسی زبان است که افراد و گروه‌های متفاوت با رمزبندی‌های زبانی مختلف آن را در روابط خویش با یکدیگر به کار می‌گیرند. این اصطلاح نخستین بار توسط زبان‌شناس آلمانی "کارول کرومباخر" و «ویلیام مارسیه» فرانسوی مطرح شده است. در پرتو تاثیر مستقیم مسئله دوزبانگی بر توان آفرینش یک ادیب و اهمیت به‌سزای آن در انتقال مفهوم به مخاطب، پژوهش حاضر می‌کوشد با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس مطالعات کیفی، این عنصر فراگیر در شعر معاصر عربی را با تکیه بر شعر شاعر معاصر مصر "احمد شوقی" مورد بررسی و واکاوی کنند. دستاوردهای پژوهشگران بیانگر آن است که دو یا چند زبانگی شوقی سبب کاهش اعتماد به‌نفس فردی و اجتماعی وی شده و وابستگی او را به فرهنگ و هویت اصیل عربی کاهش داده است. افزون بر آن، این پدیده، ناکارآمدی در واژه‌سازی، عدم کاربست متجانس‌ها و مترادف‌ها، لغزش‌های زبانی و عروضی را برای وی به‌دنبال داشته است. دیگر اینکه می‌توان چنین استنباط کرد که دوزبانگی از مانایی و پویایی زبان ادبی شوقی کاسته و خلاقیت ادبی و هنری او را به‌اندازه چشمگیری کاهش داده است؛ ازین‌رو، باید پذیرفت: دوزبانگی در شعر شوقی مانع کاربست ظرافت‌های زبان عربی شده است و این فرصت را به‌شاعر نداده تا زبان شعری‌اش اوج گیرد و به‌نوعی به‌چشم آید.

واژه‌های کلیدی: جامعه‌شناسی زبان، دوزبانگی، احمد شوقی، تداخل زبانی، ضعف بیانی.

* E-mail: saijadi57@gmail.com

** E-mail: najafi.ivaki@yahoo.com

*** E-mail: marjanzhyanpoor@gmail.com

۱. مقدمه

زبان ابزاری است برای تفهیم و تفاهم و مهم‌ترین مظهر تجلی حقایق فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نمایاننده افکار و خواست‌های هر جامعه است. خداوند متعال در کتاب خویش به اهمیت و ارزش زبان این‌گونه اشاره نموده و می‌فرماید: (وَمِنْ آيَاتِهِ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَاخْتَلَفَ الْأَلْسِنَةَ وَاللُّغَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ وَمِنْ خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ أَلْسِنَتِكُمْ وَاللُّغَاتِكُمْ إِنَّا فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ) (روم/ ۲۲). "و از نشانه‌های او آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌ها و رنگ‌های شماسست. قطعاً در این مورد برای دانشوران نشانه‌هایست".

زبان‌شناسانی همچون "ابن جنی" (۳۹۲هـ)، "ابن فارس" (۳۹۵هـ)، "تعالی" (۴۲۹هـ) و "سیوطی" (۹۱۱هـ) که درباره ماهیت و منشأ پیدایش زبان و فلسفه آن تحقیق کرده‌اند، در نهایت زبان را بدین گونه تعریف می‌کنند: "اصواتی است که هر قوم، مقاصد و نیازهای خود را با آن بیان می‌کند" (ابن جنی، ۱۹۵۲، ۱:۳۳). "زبان" در نزد این دانشمندان: الف) مجموعه‌ای از اصوات است؛ ب) ابزاری است برای تعبیر؛ ج) متعلق به قوم و جماعتی است؛ د) دارای اغراض اجتماعی است. از این تعریف چنین درمی‌یابیم که مطالعه زبان باید در بافت اجتماعی آن صورت گیرد و زبان را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، سیاسی، جنسی، منطقه جغرافیایی و... بررسی و تحلیل کرد.

جامعه‌شناسی زبان- که خوانشی از زبان در ارتباط با جامعه است- برانگیخته توجه زبان‌شناسان بزرگی همچون «هاسون»^۱ و «فرنسیس ماکای»^۲ در غرب و «ابن خلدون»، «تمام حسان» و... در جهان عرب است. با این‌همه در اواخر قرن بیستم، و با ظهور دستوریان شناختی و یا نقش‌گرایان بر اهمیت عوامل اجتماعی و کاربردی در زبان تأکید ورزیده شد. «هالیدی»^۳ تحت تأثیر «سوسور»^۴ زبان را پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی بازشناسی می‌کند؛ او زبان را بر پایه نقش‌های اجتماعی آن مورد توجه قرار می‌دهد (آفا گل زاده، ۱۳۹۰: ۴۳). یکی از پدیده‌های مهم زبانی- اجتماعی که امروزه بسیاری از کشورهای دنیا با آن روبه‌رویند، «دو‌زبانگی»^۵ است.

1. Hudson
2. francis mackey
3. Hallidy
4. Saussure
5. bilingualism

۱-۱. اهداف، ضرورت و روش پژوهش

امروزه آشنایی با دو یا چند زبان، همچون بیماری خطرناکی دانسته شده که رفته رفته به مرگ زبان اصلی زبان آموز و جامعه می انجامد، تا آنجا که این بیماری مهلک می تواند خطرناک تر از دوگانگی زبان باشد. همانگونه که تاثیرات دوزبانگی در سطح فردی و اجتماعی ملموس و چشمگیر است، ادیبان و شاعران نیز از تاثیرات آن در سطح ادبی در امان نیستند. با توجه به اهمیت دوزبانگی و نقش محوری آن در فهم متون ادبی، نویسندگان در این جستار تلاش کرده اند تا با اختیار روش توصیفی - تحلیلی و ارائه داده های تحقیقی و نتایج استقرائی، با استفاده از نمودهای آماری، پدیده دوزبانگی را در شعر شاعر معاصر عربی، «احمد شوقی»، نقد و بررسی کنند. بایسته یادآوری است که اشعار به طور تصادفی انتخاب شده اند.

۱-۲. پرسش های پژوهش

پرسش هایی که در این پژوهش مطرح است و تلاش شده به آنها پاسخ داده شود، به قرار زیر است:

- ۱- آیا آشنایی احمد شوقی به زبان های متعدد غیر عربی، موجب دوچندان شدن توان شاعر در بیان مفاهیم مورد نظر شده است؟
۲. وجوه مثبت و منفی دو یا چند زبانگی در شعر شاعر یادشده کدامند؟
۳. با عنایت به دو یا چند زبانگی شاعر، آیا وی توانسته با بهره گیری از این شناخت، به فرهنگ و زبان عربی خدمتی چشمگیر کند و گنجینه فرهنگ و زبان عربی را تقویت نماید؟

۱-۳. پیشینه پژوهش

تحقیقات نشان می دهد که پژوهشگران در داخل و خارج کشور از دیدگاه جامعه شناسی، علوم اقتصادی، سیاسی و روانشناسی به این موضوع پرداخته اند و به ارائه یافته هایی پرداخته اند که در زیر به مهمترین آنها اشاره می شود:

۱. "إشكالية الهوية وثنائية اللغة والترجمة في السياق العربي المعاصر" به نگارش "فائز الصياغ" که در مجله "تبين" شماره ۱ سال ۲۰۱۲ به چاپ رسیده است. در این نگارش، نویسنده کوشیده است تا هویت را که بخش جدایی ناپذیر فرد و جامعه است و در طی تاریخ و نسل ها مطرح می باشد، به عنوان دارنده صفات ثابت، سکون و یا تغییر در کشورهای عربی و همین طور غربی معرفی کند.

۲. "ازدواجیة اللغة وأثرها فی المجتمع والأسرة" اثر "عثمان بخیت جبّاره" که در مجله "دراسات الأسرة" شماره ۳ سال ۲۰۱۳ انتشار یافته است. در این پژوهش به حضور هویت از دوره جاهلی و در زبان ادبی مشترک میان عرب‌ها تا کنون اشاره شده و آن را لازمه حیات جامعه دانسته و سپس به تأثیر جوامع و خانواده‌ها بر دوگانگی زبان و دوزبانگی افراد پرداخته است.

۳. "بررسی تأثیر دوزبانگی بر کسب هویت اجتماعی" به کوشش "فاطمه گلابی" که در مجله "دانش سیاسی و بین الملل" در سال ۱۳۹۱ منتشر شده است. نویسنده، در این تحقیق به بررسی هویت ملی و قومی که مهم‌ترین اشکال هویت جمعی‌اند؛ پرداخته است و به نقش هویت در مسایل زبانی و رابطه آن با سطح تحصیلات اشاره نموده است.

۴. دیگر مقاله "پدیده دوزبانگی؛ عاملی بازدارنده یا تقویت کننده" از "نسرین بحرینی" که در "مجله پژوهش ادبیات معاصر جهان" در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است. وی در این مقاله به تأثیر یادگیری زبان سوم با رویکردی زبانشناختی - اجتماعی نگریسته و تفاوت چشمگیر افراد تک زبانه و دوزبانه را بررسی و پژوهش کرده است و در نتایج به دست آمده - از این بررسی، به تأکید افراد مورد مطالعه بر هویت قومی خود و رابطه جنسیت و هویت اشاره نموده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد چه در داخل و چه در خارج از کشور تاکنون، به موضوع «دوزبانگی در شعر احمد شوقی» پرداخته نشده است و همین امر اهمیت مسئله را دو چندان می‌کند؛ به ویژه آنکه شاعر مورد نظر ملقب به «امیر الشعراء» است و در شعر معاصر عربی به شکل عام و شعر معاصر مصری به شکل خاص، جایگاهی ویژه دارد. بی‌مناسبت نیست که پیش از پرداختن به این پدیده زبانی - اجتماعی در شعر احمد شوقی به تعریف آن پرداخته شود.

۲. مفهوم و گستره دوزبانگی

دوزبانگی معادل اصطلاح انگلیسی (bilingualism) است که از پیشوند (bi) به معنای (دو) و (lingual) یعنی (زبان) و پسوند (ism) که دلالت بر رفتار یا حالت و صفتی خاص دارد، ساخته شده است (۱۳۰: ۱۹۹۰، Truth)؛ اگر چه زبان‌شناسان در شناخت این پدیده، نظرات متفاوتی ارائه داده‌اند، اما به طور کلی می‌توان آن را اینگونه تعریف کرد: بکارگیری دو زبان مختلف که از یک ریشه نیستند و توسط افراد جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرند که در زبان عربی با اصطلاح "ثنائیه اللغة" یا "الثنائیه اللغویة" شناخته می‌شود (نک: ریتشاردز، ۲۰۰۷: ۶۹).

به بیان ساده تر، دوزبانگی فراگیری زبان اصلی و دیگر زبان‌هاست که گاهی می‌تواند به "چند زبانگی"^۱ نیز ختم شود.

درباره این که چه کسی برای نخستین بار از موضوع دو زبانگی سخن گفته، اختلاف دیدگاه وجود دارد؛ برخی باور دارند که دانشمند آلمانی «کرومباخر» نخستین کسی است که از این موضوع سخن گفته است و برخی می‌گویند «ویلیام مارسبه» فرانسوی است که نخستین بار این موضوع را مطرح کرده است (صیادی نژاد و ایمانیان، ۱۳۹۴، ۹۹).

باید توجه داشت برخلاف نظریه‌های پیشین که بیشتر «دو زبانه بودن» را برابر با «تسلط بومی‌گونه به دو زبان می‌دانستند» (کریمی پور و الیاسی، ۱۳۹۱: ۸۸)؛ دو زبانگی به معنای تسلط کامل به هر دو زبان نیست. «مکنامارا»^۲ آن را توانایی در تکلم حتی در سطحی پایین تر از زبان اول دانسته است (۱۹۶۷: ۷۱۹)؛ «آلبرت»^۳ و «اوبلر»^۴ میانه سخن را گرفته‌اند و آن را کاریست دو زبان یا بیشتر در سطحی متوسط برشمرده‌اند (الخولی، ۱۹۸۸: ۲۵). افزون‌اینکه «دی بوآ»^۵ دوزبانگی را کاربرد دو زبان مختلف بر حسب محیط اجتماعی و شرایط زبانی برمی‌شمرد (۱۹۷۷: ۲۶). به نظر می‌آید که تعریف "محمدعلی الخولی" بهتر و جامع‌تر از تعاریف دیگر باشد؛ اینکه آورده است: بکار بردن دو زبان با هر سطح و درجه‌ای از مهارت زبانی و با هر هدفی از سوی فرد یا جامعه باشد (۱۹۸۸: ۱۸).

از سویی دیگر، زبان‌شناسان معاصر پدیده دوزبانگی را در دو سطح بررسی می‌کنند: الف) دوزبانگی فردی^۶: که مدار سخن در آن فرد و به‌کارگیری دو زبان از سوی اوست، به بیان ساده‌تر، فرد بر دو زبان تسلط دارد به گونه‌ای که با زبان اول می‌شنود و با زبان دوم پاسخ می‌گوید (کائد محمود، ۲۰۰۲: ۸۱ - ۸۰). ب) دوزبانگی اجتماعی^۷: که به ارتباط میان زبان و جامعه می‌پردازد. این نوع دوزبانگی از نتایج برخورد اجتماعی زبان‌هاست که برگرفته از طبیعت و ذات اجتماعی انسان‌ها و مانایی روابط میان آنان در جوامع گوناگون است (لوکمان، ۱۹۹۵: ۱۴). این نیز گفتنی است که با توجه به بررسی زبان در چارچوب

1. Multilingualism
2. Macanmar
3. Albert
4. Avblr
5. Dybva
6. Individual bilingualism
7. Socieal bilingualism

اجتماعی، زبانشناسانی همچون «واینریخ»^۱ دوزبانگی را به دو نوع تقسیم کرده‌اند: (۱) ارتباط زبانی تحمیلی^۲: این دو زبانی در نتیجهٔ تحرکات نظامی، همچون اشغال سرزمین و یا کشورگشایی و برخورد افراد دو جامعه بوجود می‌آید که «ج. فیشمن»^۳ آن را دوزبانگی بدون «دوگانگی زبان» می‌خواند (الفلاوی، ۱۷۵: ۱۹۹۶). به‌عنوان مثال می‌توان به‌واژگانی که از زبان فارسی به‌زبان عربی راه یافته‌اند، اشاره کرد و یا تأثیر برخورد زبان هندی، ترکی، فرانسوی، ایتالیایی و یونانی را بر زبان عربی مشاهده کرد. (۲) ارتباط زبانی اختیاری^۴: که با ورود اختیاری و داوطلبانه افراد یک کشور به‌کشوری دیگر به‌وجود می‌آید (همان: ۱۷۶). مثال روشن آن کاربرد واژهٔ (ok) به جای واژهٔ (حسن، طیب) در زبان عربی و یا (بسیار خوب) در زبان فارسی است، در حالی که به‌کارگیری این کلمه ضرورتی ندارد و آثار مخربی بر کیان زبان اصلی دارد.

۳. احمد شوقی و پدیدهٔ دوزبانگی

امیرالشعراء، "احمد شوقی" به‌سال ۱۸۶۸م با تباری آمیخته از نژادهای عربی، ترکی، یونانی و کردی، درس و تحصیل خود را در مصر آغاز کرد و راه و روش سرایش شعر را از استادش "محمد البسیونی" آموخت و سپس برای ادامهٔ تحصیل به‌فرانسه رفت. "شوقی" پس از جنگ جهانی اول بر اثر فعالیت‌های سیاسی به‌اسپانیا تبعید شد؛ این موضوع تأثیر فراوانی بر زبان ادبی و به‌طور خاص شعر وی داشته است (وادی، ۱۹۸۵: ۱۳). محققان نیز عامل مهاجرت را یکی از مؤلفه‌های پیدایش پدیدهٔ دو زبانی می‌دانند (کائد محمود، ۲۰۰۲: ۷۷). وی در طول حیاتش با سفر به‌اروپا و یا در زمان اشغال سرزمین مصر توسط انگلیس با فرهنگ، زبان و ادبیات آنان آشنا شد تا آنجا که تمایل به‌تأثیرپذیری از "ویکتور هوگو"^۵ و "ژان لافونتین"^۶ در آثار ادبیش آشکار است.

شرایط فردی- اجتماعی و به‌تعبیری دیگر جامعه‌ای که "شوقی" در آن بسر می‌برد، موجب آشنایی‌اش با چند زبان متفاوت شد که نشانه‌های آن در دیوان شعری وی موسوم

1. Weinerich
2. Superposed language contact
3. J.fyshmn
4. Voluntary language contact
5. Victor Hugo
6. Jean la fontaine

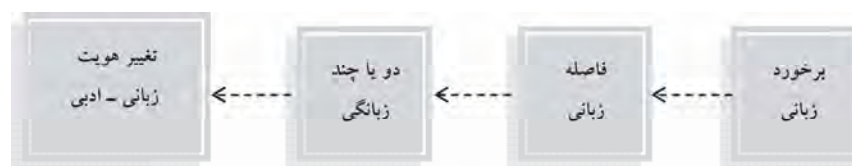
به "شوقیات" دیده می‌شود. خود او اقرار دارد که "پس از فراگیری علم در اروپا، مسئولیتی بدون حد و مرز را پذیرفته است" (همان، ۱۹۸۵: ۱۸۵). وی بعد از آن به سرایش سروده‌های سیاسی و ملی روی آورد. با مطالعه حیات ادبی وی، ابتدا او را شاعر دربار و حکومت و سپس شاعر ملت مصر می‌یابیم.

در اینجا خاطر نشان می‌شود که "امیرالشعراء" بودن "شوقی" و زعامت ادبی وی نمی‌تواند بیانگر دوری او از خطاهای زبانی و ادبی باشد؛ چه همانگونه که خواهیم دید، نوآوری زبانی قابل توجهی در اشعار وی دیده نمی‌شود و زبان و بیان را در پیشبرد مضامین شعری به‌کار نمی‌بندد (شراره، ۱۹۸۲: ۴۴). در حقیقت این کاستی ناشی از تأثیرات منفی دوزبانگی بر زبان شعری اوست که آفرینشگری و ابتکار را در وی و اثرش از بین برده است.

۱-۳. زبان دوم و دگرگونی انگارگان فردی - اجتماعی شوقی

زبان پدیده‌ای فردی و اجتماعی است که هر کس آن را برای ارتباط با دیگران بکار می‌بندد. مفهوم فرد، هویت و اجتماع در چارچوب زبان شکل می‌گیرد. ارتباط زبان و هویت ارتباطی محکم و گسست‌ناپذیر است و زبان به‌مانند ظرفی است که هویت در آن شکل می‌گیرد و برای هر جامعه موجودیت فرهنگی و تمدنی به‌بار می‌آورد (الدیبان، ۱۴۲۷: ۱۴)؛ چرا که کیان هر ملت، مجموعه‌ای از زبان، تمدن و میراث فرهنگی - هویتی آن است (برکته، ۲۰۱۳: ۸۸). تا آنجا که حضرت امیر المؤمنین علی (ع) در این باره کلام راهگشایی دارند و می‌فرمایند: "العالم من عرف قدره، کفی بالمرء جهلاً ان لا یعرف قدره" (نهج البلاغه، خ ۱۰۱) یعنی اندیشمند کسی است که قدر و منزلت و جایگاه خود را بشناسد و جاهل و نادانی انسان همین بس که قدر خود را نشناسد. این است که باید پذیرفت: قوام ابعاد هویت به‌ویژه هویت فردی، به‌زبان است؛ فردی که بر اثر آشنایی با زبان دوم، از هویت ملی خود متنفر و به‌هویت زبان مقصد گرایش یابد و اندک اندک زبان اصلی‌اش را به‌دست فراموشی بسپارد، قومیت خویش را بر باد می‌دهد و هویت اجتماعی وی ضعیف می‌شود؛ زیرا زبان مادری، هویت اکتسابی و ریشه‌دارترین جنبه هویت اجتماعی افراد است. در دوران معاصر نیز سهم زبان در تکوین هویت جمعی انسان، مورد مطالعه و توجه جدی دانشمندان قرار گرفته، به‌طوری که نظریات مختلفی را برانگیخته است. از عمده‌ترین ویژگی‌های زبان، تأثیر آن در ایجاد همبستگی گروهی است؛ از این روست که زبان را یکی از مؤلفه‌های سازنده شخصیت ملت

شمرده‌اند (نیازی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۰۷). به هر روی، زبان تنها یک وسیله خنثی یا کلیشه‌ای در روابط متقابل میان انسان‌ها نیست؛ بلکه از بار اجتماعی - فرهنگی و سیاسی به‌سزایی برخوردار است (گیدنز، ۱۳۷۴: ۲۰۷). در زیر به عوامل تأثیرگذار بر این موضوع با رسم یک مدل اشاره شده است:



شکل ۱- مدل تأثیر عوامل مختلف بر تغییر هویت زبانی- ادبی

بنابر مطالب گفته شده، "شوقی" نیز با حضور در سرزمین‌های غربی و یادگیری زبان دوم، اندک اندک با کاریست زبان مقصد، درصدد افزودن جایگاه فردی و هویتی خود بوده است (حسین، ۱۹۳۳: ۱۷۹). دیگر گویش عربی موجب فخر و بالندگی او نیست؛ و "عدم افتخار به هویت و اصالت، به‌حقارت و تحقیر زبان او انجامیده است (الدبیان، ۱۴۲۷: ۱۳). بی‌مناسبت نیست، در اینجا به سروده "احمد شوقی" که با عنوان "آیه العصر فی سماء مصر" در وصف فرانسه و بزرگان آن سروده شده است بنگرید:

یا فرنسا، نلتِ أسبابَ السماءِ وتملکتِ مقالیدَ الجِواءِ
لک خیلٌ بجَنَاحِ أشبَهت خیلَ جبریلَ لنصرِ الأنبياءِ ...

(شوقی، ۲۰۰۰، ۲: ۳)

«ای فرانسه! به اسباب آسمان دست یافتی و عرصه‌های هستی و گیتی را تصرف کردی. تو دارای اسبی هستی با بال‌هایی که شبیه اسب جبرئیل است و یاریگر انبیاست.»

همچنانکه از متن برمی‌آید شیفتگی شوقی نسبت به فرهنگ فرانسه و اظهار شگفتی نسبت به پیشرفت‌های آن منجر به‌سستی هویت و اعتماد به‌فرهنگ اصیل عربی و در نتیجه کاهش

ابداعات فکری و هنری نزد او شده است. در قصیده "علی قبر نابلیون" نیز آورده است:

فِی عَلی کَنزِ بیاریسَ دَفینٌ من فریدٌ فی المعانی و ثمینٌ
و افتقدَ جوهرهً من شرف صَدَفُ الدهرِ بترتیبها ضنینٌ

(همان، ۲۰۰۰، ۱: ۲۵۳)

یعنی بر گنج مدفون در پاریس بایست. کسی که در معانی بی‌همتا و گرانبهاست. دل‌تنگ آن گوهر شرافتمندم. صدف روزگار نسبت به خاک آن تنگ نظر است. در نمونه شعری دیگری می‌گوید:

عَلَى إِفْرِيزِ (راجبوتا	ن) تَمَثَالِ مِنَ الْمَجْدِ
نَبِيِّ مَثَلِ (كونفوشيو	س) أَوْ مِنْ ذَلِكَ الْعَهْدِ
قَرِيبِ الْقَوْلِ وَ الْفِعْلِ	مِنِ الْمَتَطَّرِ الْمَهْدِي
شَبِيهِ الرُّسُلِ فِي الذُّودِ	عَنِ الْحَقِّ وَ فِي الزُّهْدِ ...

(همان، ۲۰۰۰، ۴: ۸۳)

«بر کتیبه راجبوتان، پیکره‌ای از مجد و بزرگواری است. فرستاده‌ای مانند کنفوسیوس یا از آن دوران است. سخن و کردار وی نزدیک به سخنان مهدی منتظر است. او شبیه پیامبران است در دفاع از حق و در زهد و پارسایی...».

بنابراین یکی از مؤلفه‌های پیدایش پدیده دوزبانگی عامل فردی است که مهم‌ترین جلوه آن عدم اعتماد به زبان اصلی و احساس حقارت و بروز تنفر از جانب فرد است که گرایش وی به زبان‌های بیگانه را فراهم می‌سازد (العربی، ۲۰۱۲: ۳۱). این مورد رابطه قوی و محکمی با هویت دارد؛ هویتی که سازنده گذشته، حال و آینده یک ملت است.

قدر مسلم از این روست که احمد شوقی زبان به‌سنتایش فرهنگ غرب و بزرگان آنان می‌گشاید و دچار خودباختگی فرهنگی - هویتی می‌شود. بنابراین باید پذیرفت: زبان به‌عنوان نیروی "انسجام دهنده" نقش ویژه‌ای در بسترسازی، تکوین و بالندگی فرهنگی و تحقق هویت قومی و ملی دارد. "با توجه به اینکه فرد دوزبانه خود را جدای از ملت و به دور از آنان می‌داند و از نظر فرهنگی، زبانی و اعتقادی به جامعه زبان دوم تمایل می‌یابد" (هدسن، ۱۹۹۰: ۳۳۰)؛ فقدان اعتماد به نفس فردی، نبود اعتماد به نفس جمعی را در پی دارد؛ بنابراین زبان در ساخت هویت تأثیر دارد و ضعف یا مرگ زبان، به‌نابودی هویت می‌انجامد.

۲-۳. کاهش ذخیره واژگانی شوقی

زبان شبیه به زمینی بی آب و علف است و شاعر باغبان آن زمین است که درختان میوه را در آن به‌بار می‌نشانند. اگر وی از توانایی‌های خود استفاده نکند، زمین خشک شده و درختان به‌بار نخواهند نشست (الملائکه، ۱۹۹۳: ۱۲). بررسی اشعار شوقی القاگر این نکته است که

دوزبانگی و یا بهتر بگوییم چندزبانگی "شوقی" تأثیری منفی بر زبان شعری وی داشته است و موجب نشده است تا گنجینه واژگانی او تقویت شود. نمونه‌های زیر ادعای مطرح شده را اثبات می‌کند:

۳-۲-۱. کاریست کهن واژه‌ها

امروزه پیشرفت شتابان دانش و فناوری، بر مردم و عملکرد زبانی آنان در سراسر دنیا تأثیر گذاشته است. در این میان جهانی شدن از اساسی‌ترین و خطرناک‌ترین عوامل ایجاد دوزبانگی است که باعث دوگانگی هویت، فکر و سرانجام نابودی زبان اول (اصلی) می‌شود. در شوقیات واژگانی به کار گرفته شده است که نه تنها از جنس واژگان روزگار معاصر نیست، بلکه با محتوا و موضوع شعر مورد بحث، همسویی و هماهنگی ندارد؛ شاعر از واژگان معجمی یا قاموسی^۱ کهن مانند "هودج، اللجم، الحداء، السرج، جحفَل" و... استفاده کرده که نه تنها امروزه کاربردی ندارند، بلکه مخاطب از آن‌ها گریزان است. به‌عنوان نمونه در جایی آورده است:

یا صاحِبِ ادرمید حسبها شرفاً اَنَّ الرِّیاحَ اِلَیها اَلقت اللُّجما

(شوقی، ۲۰۰۰، ۱: ۲۱۶)

«ای دوست من! «ادرمید» برای شرافت او همین بس که باد، افسار را به او سپرده است.» در

جایی دیگر نیز می‌خوانیم:

مَسَّتِ الشَّبیبَةُ جَحْفَلًا تَبْکِی لِواءِ الجَحْفَلِ

(همان، ۲۰۰۰: ۱۲۳: ۳)

«جوانی بسان شکری به راه افتاد و ستون لشکر را به گریه واداشت.»

باری، با این‌که استفاده مناسب از واژگان و مفردات زبانی صحیح و به‌روز، تأثیری شگرف در غنا بخشیدن به اثر شاعر دارد، اما "شوقی" نتوانسته از این ظرفیت به‌خوبی بهره بگیرد. در زیر نمونه آماری - توصیفی کهن واژگان در چهار جلد شوقیات را یادآور می‌شویم:

جدول ۱- درصد فراوانی و ضرائب وجود واژگان قاموسی در دیوان شوقیات

متغیرها		جلد اول		جلد دوم		جلد سوم		جلد چهارم	
کهن واژه‌ها و عدم تنوع مفردات لغوی		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
		۳۱/۳٪	۶۳	۲۴٪	۱۴	۳/۱٪	۶	۱/۵٪	
میانگین		۱۴/۴	۱۲	۴/۷	۱/۶				

جدول بالا نشانگر ضعف ذخیرهٔ واژگانی و معنایی، ناتوانی در ایراد مفردات مناسب و جمود فکری و عاطفی او دارد. بنا بر دیدگاه زبانشناسی نوین، شاعر با کاربست واژگان قاموسی و کهن‌واژه‌ها، لذت خوانش متون ادبی را از خوانندگان و مخاطبان خود سلب می‌کند؛ چرا که این واژگان با وجود فصیح بودنشان، در گذر زمان غبار کهنگی و فرسودگی بر آنان گرفته است (الزیدی المیاحی، ۲۰۱۱: ۹۰).

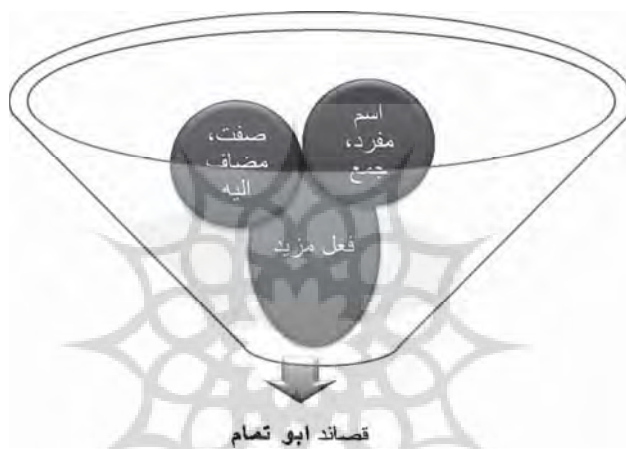
۲-۲-۳. نبود تنوع واژگانی و ناتوانی در مشتق‌سازی

گنجینهٔ هر شاعر زبان و واژگان اوست که توانایی وی را می‌نمایاند (الملائکة، ۱۹۹۳: ۱۰). دو زبانگی احمد شوقی فقر زبانی و دوری از ثروت لغوی وی را در پی داشته است. بیشتر سروده‌های وی فاقد تعدد و تنوع قافیه‌هاست؛ مثلاً در سرودهٔ "أندلسیة" تنوع واژگانی در قافیه دیده نمی‌شود (رک: شوقی، ۲۰۰۰، ۲: ۱۰۴) و شاعر در سرتاسر سروده، قافیه را به صورت "اسم" به کار گرفته است. اگر بخواهیم سطح زبان این شاعر چند زبانه را با یک شاعر تک‌زبانه مثل "ابوتمام" مقایسه کنیم به وضوح در خواهیم یافت که "ابوتمام" بر خلاف وی از تمامی ظرفیت‌های زبانی در سروده‌هایش بهره برده است و غنای زبانی وی قابل قیاس با شوقی نیست؛ به عنوان نمونه بنگریم به سرودهٔ «فتح عموریة» با این مطلع:

السيفُ أصدقُ أبناءَ مَنْ الكُتُبِ في حدهِ الحدِّ بينَ الجِدِّ واللَّعبِ

(بستانی، ۱۹۹۸: ۸۴)

ترجمه: شمشیر راستگوتر از کتاب‌هاست، در لبه آن مرز میان شوخی و جدی است. می‌بینیم که ابوتامام توانسته است با توانش زبانی خود و با کاربرد اسم مفرد(اللعب)، جمع(القشب) فعل(لم تَجِب)، صفت(الأشب)، مضاف إليه(ذو الذنب) و ... در قافیه، از تمامی ظرفیت‌های زبانی برای مسحور کردن دیگران و تنوع بخشی به سروده خود استفاده کند که می‌توان آن را با شکل زیر ترسیم نمود:



شکل ۲- وجود تنوع زبانی در دیوان ابوتامام

تنوع زبانی در سرتاسر دیوان ابوتامام به‌ویژه قصیده مشهور "فتح عمورية" مشاهده می‌شود. این توزیع در مفردات زبانی نشانگر تسلط واژگانی ادیب تک‌زبان است؛ اما تنوع واژگانی نه تنها در قافیه سروده‌های "شوقی" دیده نمی‌شود؛ بلکه در بکارگیری "افعال" نیز چنین وضعی دیده می‌شود. دوزبانگی یا چندزبانگی "شوقی" سبب شده است که از میان افعال، بیشتر از فعل‌های ثلاثی مجرد که از پویایی کمتری از فعل‌های ثلاثی مزید و رباعی برخوردار است؛ استفاده کند. وی با بکارگیری ۲۲ بار فعل مجرد در سروده "تحیة المؤتمر الجغرافی"، این ادعای ما را به‌اثبات می‌رساند (شوقی، ۲۰۰۰، ۱: ۲۷۵). با تحلیل این سروده که ۱٪ از کل مجموعه شعری جلد اول او را تشکیل می‌دهد؛ آمار زیر به‌دست می‌آید:

جدول ۲- ارائهٔ آماری در تحلیل یک سروده در دیوان شوقیات



۱) قافیه با افعال مجرد و اسم، ۷۴٪ است که نمایانندهٔ عدم پویایی لغوی شاعر است.
 ۲) قافیه با افعال مزید و رباعی و یا تنوع در مفردات زبانی، ۲۶٪ است. با توجه به این که افعال مزید سبب گسترش معانی و مانایی آن در ذهن مخاطب می‌شود، در اینجا شاعر با بکارگیری افعال مجرد و یا اسم در قافیه، به جمود و عدم تجدید و نوآوری می‌گراید. چون چنین است باید به سخن زبانشناسان تن داد که گفته‌اند: فقدان تنوع زبانی به انقراض زبانی می‌انجامد (کریستال، ۲۰۰۶: ۷۰).

زبان چشمه‌ای جوشان در برابر شاعران است که از درون آن کلماتی فوران می‌کند که شعر بر اساس آن به نظم کشیده می‌شود. شاعران دو یا چند زبانه، چون از گنجینهٔ لغوی کمتری بهره‌مندند، از لغزش‌ها و عیوب قافیه در امان نیستند؛ این امر ناشی از فقر زبانی شاعران است که به‌انگاره‌ای ذهنی برای آنان مبدل شده است. یکی از عیوب قافیه، «ایطاء»^۱ نام دارد. "احمد شوقی" در قصیدهٔ "الانقلاب العثماني و سقوط السلطان عبدالحمید" دچار چنین عیبی شده است:

فی مسکن فوق السَّماء ک و فوق غاراتِ المَغیبرِ...
 سَمَوُهُ (یَلدزأ) و الأفو لُ نهایةُ السَنجَمِ المَغیبرِ

(شوقی، ۲۰۰۰، ۱: ۱۲۰)

«در فراز ستاره جایگاه توست و در بلندای بیکران و دور دست... او را «پلدنزا» نامیدند، در حالیکه سرنوشت ستاره‌های دور دست فرو افتادن است».

در شعر فوق شاعر کلمه قافیه (المغیر) را در یک معنای واحد، بدون رعایت فاصله در ابیات ۱۹ و ۲۱ این سروده، آورده است. یا در سروده "الرحلة إلى الأندلس" آمده است:

بَلَّغَ النُّجْمَ ذُرْوَةً وَ تَنَاهَى بَيْنَ ثَهْلَانَ فِي الْأَسَاسِ وَ قُدْسِ
وَ كَأَنَّ الْآيَاتِ فِي جَانِبِيهِ يَتَنَزَّلْنَ فِي مَعَارِجِ قُدْسِ

(همان: ۲: ۵۰)

ترجمه: ستاره به‌اوج رسید و میان ثهلان و قدس (نام دو کوه) پایان یافت و غروب کرد. و گویی نشانه‌هایی در کنار اوست که در دامنه قدس (کوه) فرود می‌آیند. گفتنی است که قافیه تأثیری ویژه و قوی بر موسیقی شعر و بلکه در چارچوب کلی زبان شعری دارد. در اینجا کلمه (قدس) را در ابیات ۶۸ و ۷۴ بدون توجه به عیب تکرار قافیه در سروده ذکر کرده است که نشانه ضعف در گنجینه لفظی و لایه‌های زبانی اوست. جدول زیر - نمایاننده وجود خطاهای عروضی در شوقیات است - ترسیم‌کننده موضوع یادشده است:

جدول ۳- ضرائب خطاهای عروضی در دیوان شوقیات

نام متغیر	جلد اول		جلد دوم		جلد سوم		جلد چهارم	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خطای عروضی	۲۶	۱۲/۲٪	۱۰	۷/۸٪	۴	۱/۲٪	۳۹	۲۳٪
میانگین	۹/۲		۴/۵		۲/۳		۱۳/۷	

زبان عربی زبانی اشتقاقی و تصریفی است که در هیچ دوره‌ای نتوانسته است این ویژگی را از دست بدهد؛ در حالی که زبان‌های دیگر ناچارند واژگان مورد نیاز خود را از زبان‌های دیگر وام گیرند و این نشان‌دهنده برتری زبان عربی بر سایر زبان‌هاست. ادیب، هنگامی که دست به‌واژه‌سازی می‌زند، راهی وسیع در برابر خود می‌گشاید تا زمینه‌ی بیان دلالت‌ها، ترکیب‌های جدید، مجاز و حقیقت را در سیاق بیانی خاص برای خویش فراهم آورد.

بنابراین اشتقاق و واژه‌سازی دلیلی بر تجدید و تنوع زبانی شاعر است که بیشتر شاعران با خلاقیت در واژه‌سازی و آفرینش کلمات متجانس، دست به تصویرسازی بدیع و زیبا می‌زنند. برای نمونه می‌توان به "بوصیری" این شاعر تک‌زبان و "برده" معروفش با مطلع زیر اشاره کرد:

أَمِنْ تُذَكِّرُ جَبْرَانَ بَدَى سَلْمَى مَرَجَتْ دَمْعًا جَرَى مِنْ مُقْلَةٍ بَدْمَى

(شیخ الإسلام، ۱۳۶۱: ۱۴)

«آیا به یاد یاران "ذی سلم" اشک دیده به خون آغشته‌ای؟».

"برده" که سرمنشأ بدیعه‌سرایی شعرعربی است و سر تا سر آن مملو از اشتقاق کلمات و جناس لفظی است، در این زمینه سرمشق کار بسیاری از شاعرانی همچون «سامی البارودی» در قصیدهٔ "كشف الغمة في مدح سيد الأئمة" (مبارک، ۱۹۹۷: ۱۶۷) و همین‌طور شوقی قرار گرفت. شوقی در قصاید اسلامی خود نظیر «همزیه نبویه»، «ذکری المولد»، «نهج البردة» که به فرهنگ و میراث دینی و مذهبی خود رجوع می‌کند؛ هر چند کوتاه و اندک، دست به مشتق‌سازی واژگان می‌زند.

بنابراین "شوقی" در مقایسه با ادیبان تک‌زبان از جهت تنوع اشتقاقی کلمات در سایر قصائدهش - که در مدح پیامبر گرامی اسلام (ص) نیست، به‌ویژه آنگاه که به مدح کشورها و اشخاص اروپایی پرداخته است - در فقر زبانی به‌سر می‌برد و این امر، فهم و درک شعر وی را برای خواننده دشوار می‌سازد و از رقت و لطافت شعری وی می‌کاهد. "شوقی" در بسیاری از اشعار خود به‌ویژه "رومیات"، "ترکیات"، "حدیویات" و وصف فرانسه، نتوانسته است دست به واژه‌سازی بزند. در این قصائد، ناتوانایی او در خلق متجانسات که "ارباب بلاغت" نامیده می‌شوند (الطیب عمر، ۱۶۲: ۲۰۱۰) آشکار است. وی در «نبویات» از جناس اشتقاقی استفاده کرده است؛ کلماتی مانند مادح/المديح؛ رحمت/رحماء؛ غضبت/غضبة/ بغضاء؛ رضیت/مرضاته/رضی (شوقی: ۲۰۰۰: ۳۶) و همچون سلوا و سلا در مطلع ذکری المولد (همان، ۲۰۰۰: ۱، ۶۸) در قصیدهٔ نهج البرده، این جناس‌های اشتقاقی به چشم می‌خورند: العائرات/عشرات؛ أشرن/أسرن (همان: ۱۹۲-۱۹۱) و ... اما در دیگر مدایح خود نتوانسته است اینگونه عمل کند. جدول زیر یافته‌های مهمی از این نوع را در بررسی نبویات (۳ سروده) و سایر مدایح (۱۵ سروده) که به‌طور تصادفی انتخاب شده‌اند، به‌دست می‌دهند:

جدول ۴- تعریف آماری متغیرهای پژوهش در مشتق سازی واژگانی

نام متغیر پژوهش	تعریف عملیاتی (محدوده‌ی مطالعه شده)	فراوانی	درصد
نبویات (همزیه نبویة، ذکرى المولد و نهج البردة) (۳ سروده)	انواع جناس تام و غیر تام اعم از اشتقاقی و غیره	۱۵۶	۴۱/۴
رومیات، ترکیات و وصف فرانسه (۱۵ سروده)	انواع جناس تام و غیر تام اعم از اشتقاقی و غیره	۳۳	۸/۸

یافته‌های توصیفی این بحث که در ارتباط با «نبویات» و صفیات فرانسه است؛ اطلاعات استقرائی مهمی را بیان می‌کند که نشان‌دهنده توجه شوقی به‌مدایح گذشتگان در وصف پیامبر(ص) بوده و تحت تأثیر آنان توانسته است از بدیعیات (۴۱/۴) در اشعارش بهره گیرد. در رومیات و ترکیات و خدیویات، بسیاری از انواع جناس از جمله: جناس مماثل، جناس مستوفی، جناس محرف، مصحف و ... مورد بررسی قرار گرفت و فراوانی یاد شده در جدول را با درصد (۸/۸) نشان می‌دهد.

بایسته یادآوری است که «اشتقاق کبار» یا «نحت» که یک واژه آمیزی و کنش منحصر به فرد زبانی است؛ تنها یک بار در شوقیات دیده شده است و آن واژه «فوتبول» است:
هل من نَدَاک عَلی المدارس أَنها تَذر العلوم و تأخذ الفوتبولاً؟

(شوقی، ۲۰۰۰: ۱، ۱۷۴)

«آیا کسی هست که مدارس را از بین ببرد و علوم را رها کرده و به فوتبال پردازد؟».

(foot-bal) کلمه‌ای انگلیسی است و منحوت از واژه (فوت-بال) است (نواز، ۲۰۰۸: ۲۸۴). آشنایی شاعر نامبرده با چند زبان که باید قاعدتا، توانایی ترکیب و کاربردهای اشتقاقی را در دانش زبانی وی بالا برده و بر آن بیافزاید نیز نتوانسته است این امتیاز را در او تقویت کند، این موضوع دلیلی جز آشنایی سطحی و عدم تسلط او بر چند زبان فراگرفته

نیست، در واقع او همچون زبان اصلی و مادری خود بر همه زبان‌ها احاطه ندارد تا بتواند به کلمات منحوت در سخنش توجه کند. خاطر نشان می‌شود که واژه‌سازی به شیوه «نحت» سبب پیشرفت، زایایی و پویایی و در نهایت افزایش ثروت زبانی شاعر می‌شود که بیانگر تسلط شاعر بر ساخت واژه بوده و در سال‌های اخیر در زبان عربی بسیار پر کاربرد شده است. اما با پژوهش در اشعار دیوان «شوقی» به این واقعیت زبانی پی برده می‌شود که وی در استفاده از کلمات منحوت نا کارآمد است؛ با اهتمام به این موضوع که وی در زمانه و محیط عربی به سر می‌برد که بسامد چنین کلماتی در گفتار و نوشتار کم نبوده است. با تاملی ژرف در سروده‌های وی در خواهیم یافت که الفاظی از این دست چندان چشم‌نواز نیستند و اگر بگوییم که شعر او به دور از تنوع و همسانی با جامعه زبانی و ادبی آن روزگار است؛ از جاده صواب به دور نمانده‌ایم.

۳-۲-۳. کاربرد جملات و عبارات کوتاه و سستی پیکره صرفی و نحوی جملات

فرد دوزبانه، دو گنجینه زبانی متفاوت داراست که شکل و ساختار عبارات کاربردی‌اش متفاوت از فرد تک زبانه است. افراد دوزبانه به خاطر نداشتن توانایی بیان منظور خود در زبان اول، دست به تغییر واژگان در کلام می‌زنند؛ به ویژه هنگامی که فرد دوزبانه برای یک لحظه با کمبود واژگان مواجه می‌شود؛ جملات را با یک زبان آغاز می‌کند و با زبانی دیگر به پایان می‌برد؛ کلمات و عبارات را از زبان‌های متفاوت جایگزین یکدیگر کرده و جملاتش را کوتاه و بسیار خلاصه شده بیان می‌کند؛ در شیوه‌های تعریف واژگانی دچار لغزش می‌شود و ممکن است در گفتار خود دچار بی‌نظمی کلامی شود. این پدیده می‌تواند به تغییرات آوایی - واژگانی هر چند به صورت ناآگاهانه منجر شود. این نشان‌دهنده تضعیف اصالت زبانی و "فاصله زبانی" و حتی در میان ادیبان دو زبانه، کمرنگ شدن اصالت ادبی و ایجاد احساس دوری از پیکره زبان اصلی است که سرانجام به آشنایی زدایی زبانی ختم می‌شود. پس چنین رفتار و عملکرد زبانی نقابی برای تغییر در هویت زبانی محسوب می‌شود. با گسترش چنین فرایندی، مرزهای زبانی و ادبی و غنای آن از جهت تنوع واژگان در میان افراد دوزبانه از بین می‌رود و چه بسا ممکن است به بقای نظام اجتماعی - زبانی و هسته مرکزی آن آسیب وارد آید و یا به مرگ یک زبان منجر شود.



شکل ۳- مدل ساختار کلمات و هسته مرکزی واژگان

بنابر شکل بالا، زبان را می‌توان پیکره اصلی برای نظام زبانی و دربرگیرنده تمامی مسائل مربوط به واژگان دانست که این پیکره با وجود آشنایی با دو یا چند زبان، دچار خلل و کاستی می‌شود. در هر صورت با وجود چنین مسائلی، عبارات و جملات شخص دو زبانه کوتاه‌تر است و دارای کلمات کمتری است. تا آنجا که وی به بیان جملات ناقص روی می‌آورد. بررسی احصائی مربوط به چهار جلد شوقیات، بیانگر آن است که شاعر ۱۴۷ بار (که ۵۱٪ است) جملات غیر تامه استفاده کرده است؛ وی از جملات معطوف و مرکب کمتری استفاده کرده است؛ حدود ۱۱۲ بار (که ۳۸٪ در کل مجموعه شعری است). با توجه به این مقوله، بافت زبان شعری شاعر دو زبانه سست و ضعیف می‌شود و رفته رفته خلاقیت و نوآوری درونی شاعر را می‌کشد و آثاری ادبی که چنین شاعری پدید می‌آورد، از نظر زبانی ارزش چندانی ندارند.

با نگاهی ژرف به «شوقیات» در خواهیم یافت که عبارات و جملات کوتاه در این مجموعه شعری فراوان به چشم می‌خورند. به عنوان مثال به این سروده‌ها بنگرید:

مَالٌ وَ احْتِجَابٌ وَاذْعَابُ الغَضَبِ
 لَيْتَ هَاجِرِي يَشْرَحُ السَّبَبِ
 عَتْبُوه رَضِي لَيْتَه عَتَبِ

(شوقی، ۲۰۰۰، ۲: ۱۴)

«متمايل شد و روی گرداند و خشم گرفت. کاش کوچ دهنده من، دلیل کوچ را توضیح می‌داد. به سرزنش وی راضی بودم، کاش ملاتم می‌کرد». یا مثل این سروده:

مملکة مُدبّرة بامرأة مؤمّرة
تحمّل فی العمال و الصنّاع عبء السیطرة

(همان: ۱۴۵)

ترجمه: کشوری که با زنی که به امارت رسیده، اداره می‌شود. بار سیطره را در میان کارگران و صنعت‌گران به‌دوش می‌کشد.
جدول زیر بیانگر توصیف آمارگونهٔ مورد مطرح شده است:

جدول ۵- ویژگی آماری کاربست جملات و عبارات کوتاه در دیوان شوقیات

نام متغیر	جلد اول		جلد دوم		جلد سوم		جلد چهارم	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بکارگیری جملات و عبارات کوتاه و غیر تامه	۳۳	۱۱٪	۲۰	۵/۶٪	۱۶	۳/۶٪	۸۵	۴۳٪
میانگین	۴ / ۷		۳ / ۳		۵ / ۳		۱۷ / ۱	

بنابر جدول بالا ابداع و نوآوری با به‌کارگیری واژگان اندک، کاری است بسیار دشوار و یا امکان‌ناپذیر؛ چرا که شعر تصویری کلامی است که اگر شاعر نتواند کلمات را در این تصویر به‌درستی جای دهد، از ظرافت هنری وی کاسته خواهد شد. لغزش‌های ساختاری و ترکیبی در زبان شعری، موضوع جدیدی نیست. زبان‌شناسان عرب از دیرباز اینگونه لغزش‌ها را به‌بحث و بررسی گذاشته‌اند. اولین اثر در این زمینه کتاب "ما تلحن فیه العامة" از "کسائی" (۱۸۹هـ) است. در اینجا لازم است اشاره کنیم که زبان‌شناس آمریکایی - فرانسوی، "کوردن"، لغزش‌های دستوری را نتیجهٔ تمدن‌های جدید و جهانی شدن زبان‌ها برشمرده است (جاسم، د.ت: ۱۵۳). در اینجا خاطر نشان می‌شود که امروزه پیشرفت سریع دانش و فناوری بر افراد و عملکرد زبانی آنان در سرتاسر دنیا تأثیر گذاشته است. در این

1. Corder
2. Morphology

میان جهانی شدن از اساسی‌ترین و خطرناک‌ترین عوامل ایجاد دوزبانگی است که باعث دوگانگی هویت، فکر و در نهایت نابودی زبان اول (اصلی) می‌شود.

با خوانش اشعار "احمدشوقی" درمی‌یابیم که چندزبانگی وی سبب شده است که سروده‌هایش خالی از لغزش‌های دستوری یا همان موضوعی که آن را صرف "مورفولوژی" می‌نامند، نباشد که در پی به چند نمونه اشاره می‌شود:

إن رأتی تمیلُ عنی کأن لم تکُ بینی و بینها أشیاءُ

(شوقی، ۲۰۰۰، ۲: ۱۱۲)

«اگر مرا ببیند از من روی می‌گرداند گویی که میان من و او چیزی نبوده است.»

شاعر در این بیت در به‌کارگیری واژه "تمیل" دچار لغزش زبانی شده است. با توجه به این که این واژه جواب «إن شرطیه» است، کاربرد صحیح آن "تمل" است؛ چرا که حرف «یاء» از این واژه به سبب مجزوم بودن و رفع التقای ساکنین حذف می‌شود، یا در بیتی دیگر آورده است:

و تهديک الثناء الحُرُّ تاجياً علی تاجیک مؤتلقاً عجباً

(همان، ۲۰۰۰، ۱: ۶۶)

«ستایش خالصانه تاجی دیگر بر تاج تو می‌نهد و تصویری شگفت از آمیزه آندو شکل می‌گیرد.»

شاعر در این بیت، فعل (أهدی) به‌عنوان یک فعلِ دو مفعولی بکار رفته است در حالی که آن فعل یک مفعولی است. و باز می‌خوانیم:

إن جلاً ذنبی عن الغفران لی أملُ فی الله یجعلنی فی خیر معتصم

(شوقی، ۱: ۱۹۴)

«اگر گناهان من فزونتر از بخشش باشد، من به‌خدایی امید دارم که مرا در بهترین پناهگاه جای می‌دهد.»

دستور زبان عربی حکم می‌کند؛ شاعر جواب شرط را به این صورت آورده شود «فلی أمل»؛ چرا که جواب شرط اگر اسمیه باشد؛ واجب است که بر سر آن «فاء» آورده شود، اما شاعر چنین نسروده است.

واضح است که شاعران تک‌زبانه کمتر مرتکب چنین لغزش‌های زبانی فاحشی می‌شوند؛ اما چون شاعر دوزبانه در میان دو گروه زبانی، با دو نظام ساختاری و دستوری و هم‌بظور

فرهنگی - هویتی متفاوت زیسته است، در کاربست ترکیبات و جملات وی آشفتگی دیده می‌شود (Lado، ۱۹۵۷: ۵۹). این مسئله را می‌توان با شکل زیر نمایش داد:



شکل ۴- ارتباط دهی زبان‌ها و فرهنگ‌ها و اجتناب ناپذیری از آن

با توجه به این که شکل هندسی زبان‌ها متفاوت از یکدیگرند، دو زبان را نمی‌توان یافت که ساختار هندسی آن‌ها به‌طور کامل بر یکدیگر منطبق باشند. به‌عنوان نمونه امروزه عرب زبانان به‌سبب ارتباط و اختلاط نزدیک با انگلیسی‌زبانان به‌شدت تحت تاثیر زبان و فرهنگ غربی قرار گرفته‌اند. گفتنی است ترتیب و چینش واژگان از لحاظ دستوری و ترکیبی در زبان عربی بدین‌گونه است: در مرتبه اول "فعل"، در مرتبه دوم "فاعل" و در مرتبه سوم "مفعول" قرار دارد؛ اما در دوره معاصر بیشتر عرب زبانان همچون انگلیسی‌زبانان در مرتبه اول "فاعل" و در مرتبه دوم "فعل" و در مرتبه سوم "مفعول" را می‌آورند (حمّد عبدالرحمان، ۱۴۵: ۹). در حقیقت "تغییر در ترکیبات زبانی را می‌توان نشانه‌هایی از تغییر در فرهنگ نیز دانست" (ربّاع، ۲۰۰۵: ۱۵). در این بحث به لغزش‌هایی از این دست اشاره می‌شود:

شاعر در قصیده "تحلیه الكتاب" اینچنین سروده است:

أنا من بدّل بالكتب الصحابا لم أجد لي وافيّاً إلّا الكتابا

(شوقی، ۲۰۰۰، ۲: ۱۸)

«من کسی هستم که دوستانم را با کتاب تعویض کردم، برای خودم دوست وفاداری جز کتاب نیافتم».

شوقی در این بیت باید عبارت را بدین‌گونه می‌آورد: "أنا من بدل بالصحاب الكتب؛ چرا که ورود "باء" بر مفاهیم متروک نادرست است (حسن، ۱۹۵۱: ۱۴۴).

جدول ۶- مقادیر خطاهای ساختاری و ترکیبی در دیوان شوقیات

نام متغیر		جلد اول		جلد دوم		جلد سوم		جلد چهارم	
سستی پیکره‌ی صرفی - نحوی		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
(آشنایی‌زدایی زبانی - مفهومی)		۳۲	٪۱۹/۲	۱۸	٪۱۲	۸	٪۳/۲	۴	٪۱/۹
میانگین		۹ / ۷		۷ / ۱		۲ / ۷		۱ / ۵	

در پایان یادآوری این نکته ضرورت دارد که خطاهای صرفی و نحوی با ضرورت شعری تفاوت دارند؛ خطا در شعر یا اثر جایگاهی ندارد، در حالی که ضرورت لازمه شعر است؛ اما به اعتقاد نگارندگان این جستار، افزایش خطا و ضرورت در شعر "شوقی" به‌ویژه در جلد اول شوقیات که مربوط به توصیف و تکریم مواردی همچون "توت عنخ آمون"، "تحیة للترك" و اماکنی مانند: "الاندلس الجديدة" و ... است، نمایانگر کوتاهی وی در ساخت‌های زبانی و ناتوانی در زبان شعری و در پایان فقر زبان ادبی اوست که همگی متأثر از پدیده "دوزبانگی" صورت گرفته است.

۴. نتیجه‌گیری

۱. تأثیر فرهنگ غربی نه تنها در واژگان، بلکه در سبک و ضرب آهنگ جدید تفکر احمد شوقی احساس می‌شود و سبب دوری از هویت اصیل وی شده و شاکله فکری و زبانی او را تشکیل داده است. نگاهی آسیب شناسانه به مقوله فراگیری زبان دوم و نشان دادن ضعف‌ها، تعارضات و ناهمگونی‌ها در آثار منظوم و منثور معاصر عربی می‌تواند به پیشگیری از بحران ابعاد هویتی - زبانی منتهی شود.

۲. آشنایی با دو یا چند زبان همچون بیماری خطرناکی است که رفته رفته به مرگ زبان اصلی فرد و جامعه میانجامد. تا آنجا که این بیماری مهلک می‌تواند خطرناک‌تر از دوگانگی زبان باشد. همانگونه که تاثیرات دوزبانگی در سطح فردی و اجتماعی ملموس و چشمگیر است، ادیبان و شاعران نیز از تاثیرات آن در سطح ادبی در امان نخواهند ماند.

۳. شوقی واژگانی را در متن شعری‌اش دخالت می‌دهد که با روحیهٔ زبان عصر خویش مناسبت ندارند (کهن واژه‌ها) و یا با موضوع شعر وی هماهنگ نیستند. این امر نشان از ضعف ذخیرهٔ زبانی و معنایی و ناتوانی در ایراد مفردات مناسب و جمود فکری و عاطفی وی دارد. دوزبانگی یا چند زبانی "شوقی"، دلیلی بر کاهش اعتماد به نفس وی شده است؛ از این رو، جملات بسیار کوتاه و غیرتامه به کار بسته و بیشتر از جمله‌های تعجبی استفاده کرده است. دوزبانگی احمد شوقی سبب شده است که قدرت واژه‌سازی نداشته باشد و نتواند به مترادف سازی و آوردن واژگان متجانس برای خلق تصاویر بدیع دست بزند. این امر فهم و درک شعر وی را برای خواننده دشوار کرده و از رقت و لطافت شعری او کاسته است.

۴. با دقت در جدول‌های ارائه شده مشخص می‌شود که لغزش زبانی (به‌ویژه در حوزه واژگان قاموسی و اشتباهات صرفی - نحوی) و عدم بکارگیری اصالت لغوی خویش در جلد اول شوقیات، در مقایسه با مجلدهای دیگر، از بسامد بیشتری برخوردار است؛ البته به استثنای همزیه نبویه، ذکری المولد و میمیه مشهور که در آن‌ها خوش درخشیده است. در جلد دوم نیز با تفسیر متغیر به‌طور متوسط به تمامی خطاها و کاستی‌های مفرداتی برمی‌خوریم؛ اما در جلد سوم - که به مرثیاتی بزرگان و دوستانش به‌غیر از ادیبان مشهور جهان مانند هوگو، تالستوی و... می‌پردازد- از عدم کاربست توانش زبانی‌اش دوری می‌گزیند؛ شاید دلیل این امر را بتوان به بیان ویژگی‌های اشخاص سرشناس عرب نسبت داد. در جلد چهارم نیز بیشترین واریانس خطای زبانی در عبارات کوتاه و خطای عروضی دیده می‌شود.

۵. به هر روی بر خلاف انتظار رایج، دوزبانگی نه تنها سبب پویایی و استحکام زبان شعری احمد شوقی نشده، بلکه موجب شده تا وی کمتر از ظرافت‌های زبان عربی در متون شعری خود بهره بگیرد؛ گزینش واژگان ساده، کاربست ترکیب‌های معمول، عدم دخل و تصرف در بافت سخن به‌منظور برجسته‌سازی کلام و... همگی القاگر این اصل است که دوزبانگی شاعر را از برجستگی زبانی دور نگه داشته و به‌تنزل شخصیت شاعری وی انجامیده است و از خلاقیت شعری‌اش کاسته است.

۵. پی‌نوشت

۱. «ایطاء» در لغت به معنی گام جای گام گذاشتن است؛ ولی در اصطلاح علم قافیه «به معنای بکارگرفتن یک کلمه در قافیه با همان معنا بگونه‌ای که فاصله ذکر مجدد آن از هفت بیت کمتر باشد (العروضی، ۱۹۹۶: ۲۸۵)
۲. نام ستاره‌ای است در زبان ترکی.

منابع

القرآن الکریم

نهج البلاغه

- آفاگل زاده، فردوس، (۱۳۹۰ش)، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران، انتشارات علمی - فرهنگی.
- ابن جنی، ابی الفتح عثمان، (۱۹۵۲م)، الخصائص، تحریر، محمد علی النجار، بیروت، دارالهدی للنشر.
- ابن منظور، لسان العرب، (د.ت)، تحریر عبدالله علی الکبیر و محمد أحمد حسب الله و هاشم محمد الشاذلی، القاهرة، دارالمعارف.
- برکة، بسام، و آخرون، (۲۰۱۳م)، اللغة و الهوية فی الوطن العربی - إشکالیات التعليم والترجمة و المصطلح، بیروت، المركز العربی للأبحاث و دراسة السياسات.
- البستانی، فؤاد أفرام، (۱۹۹۸م)، المجانی الحدیثة - عن مجاني الأب شیخو - دار الفقه للنشر و الطباعة.
- جاسم، جاسم علی، (د.ت)، نظریة تحلیل الأخطاء فی التراث العربی، مجلة مجمع اللغة العربیة الأردنی، عدد ۷، الصفحة ۱۵۱ الی ۲۱۰.
- حسن، عباس، (۱۹۵۱م)، المتنبی و الشوقی، مصر؛ مطبعة مصطفى البابی الحلبی.
- حسین، طه، (۱۹۳۳م)، حافظ و شوقی، القاهرة؛ مكتبة الخانجی.
- حمّد عبدالرحمن، وجیه، (د.ت)، بررسی زبان شناختی تأثیر زبان انگلیسی بر واژه سازی زبان عربی، ترجمه: عباس امام، نامه فرهنگستان، ص ۱۵۱ الی ۱۴۰.
- الخولی، محمد علی، (۱۹۸۸م)، الحياة مع لغتین "الننائیة اللغویة"، الرياض؛ مطابع الفرزدق التجاریة.

الدیبان، ابراهیم بن علی، (۱۴۲۷هـ)، الصراع اللغوی، جامعة القاهرة؛ بحث مقدم لمؤتمر علم اللغة الثالث (التعليم باللغات الأجنبية في العالم العربي)، كلية دارالعلوم.

رباع، محمد، (۲۰۰۵م)، أثار الأعراف الاجتماعية في مسيرة العربية، فلسطين؛ جامعة النجاح الوطنية، مجلة البلقاء للبحوث والدراسات، مج ۱۱، عدد ۱.

ريتشاردز، جاك سي و الآخرون، (۲۰۰۷م)، معجم لونيجمان لتعليم اللغات و علم اللغة التطبيقي، نقله إلى العربية الدكتور محمود فهمي حجازي و الدكتور رشدي أحمد طعيمة، لبنان؛ مكتبة لبنان.

الزغول، محمد راجي، (۱۹۸۵م)، ازدواجية اللغة - نظرة في حاضر العربية وتطلع نحو مستقبلها في ضوء الدراسات اللغوية - مجلة تراثية فصلية المورد، مج ۱۴، عدد ۲، الصفحة ۱۸ إلى ۳۳.

الزبيدي المياحي، جبار أهليل زغير محمد، (۲۰۱۱م)، أسلوبية اللغة عند نازك الملائكة، جامعة بابل، بحث لنيل شهادة دكتوراه فلسفة في اللغة العربية.

سلامي، عبدالقادر، (۲۰۰۶م)، اللغة واللهجة بين الثبات والتحول، مجلة حوليات التراث؛ عدد ۵، الصفحة ۹۹ إلى ۱۰۴.

شراره، عبداللطيف، (۱۹۸۲م)، شوقی، دار بيروت للطباعة والنشر.

شكيب انصاري، محمود، (۱۳۸۴)، اشتقاق و واژه سازي در زبان عربي، مجله‌ی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربي، ش ۳، صفحه‌ی ۱۴۹ إلى ۱۶۲.

شوقی، أحمد، (۲۰۰۰م)، الأعمال الشعرية الكاملة "الشوقیات"، بيروت؛ دار العودة، ج ۱ إلى ۴.

صیادی نژاد، روح الله و ایمانیان، حسین، (۱۳۹۴)، دو زبانگی و دوگانگی زبان در شعر عربي دوره انحطاط، فصلنامه لسان مبین، سال ۱۳۹۴، شماره ۲۰، ص ۹۵-۱۱۴.

الطيب عمر، عبدالمجيد، (۲۰۱۰م)، منزلة اللغة العربية بين اللغات المعاصرة - دراسة تقابلية -، جامعة أم درمان الاسلامية؛ كلية اللغة العربية، بحث مقدم لنيل درجة الدكتوراه في اللغة العربية.

العربي، العياشي، (۲۰۱۲م)، لغة الطفل العربي والمنظومة اللغوية في المجتمع المعرف - الجزائر أنموذجاً -، جامعة مولود معمري؛ مذكرة مقدمة لنيل درجة ماجستير.

- العروسی، أبو الحسن أحمد بن محمد، (۱۹۹۶م)، *الجامع فی العروض والقوافی*، حققه: زهیرغازی زاهد وهلال ناجی، بیروت؛ دار الجیل.
- الفلاهی، ابراهیم صالح، (۱۹۹۶م)، *ازدواجیة اللغة - النظریة والتطبیق*، الرياض؛ فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنیة أثناء النشر.
- كائد محمود، ابراهیم، (۲۰۰۲م)، *العربیة الفصحی بین الازدواجیة اللغویة والتناهیة اللغویة*، مجلة العلمیة الملك فیصل "العلوم الانسانیة والاداریة"، مج ۳، عدد ۱، الصفحة ۵۵ الى ۱۰۸.
- کریستال، دیفید، (۲۰۰۶م)، *موت اللغة، ترجمة: فهد بن مسعد اللهبی*، النشر جامعة تبوک.
- کریمی پور، امیر و الیاسی، محمود، (۱۳۹۱ش)، *بررسی پاره‌ای از مشکلات زبانی دانش‌آموزان دو زبانه کردی زبان - فارسی زبان شهر ایلام و ارائه برخی رویکردهای اصلاحی*، *مجله زبان شناسی و گویش‌های خراسان*، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۷، صص ۱۰۷-۸۷.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۴ش)، *جامعه شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری کاشانی، تهران؛ نشر نی.
- لوکمان، توماس، (۱۹۹۵م)، *علم اجتماع اللغة، ترجمة: أبو بكر باقادر*.
- مبارک، زکی، (۱۹۹۷م)، *المدائح النبویة و مديح أهل البيت، دمشق؛ مكتبة الشرق الجدی، ط ۲*.
- محمد داود، محمد، (۲۰۰۱م)، *العربیة و علم اللغة الحدیث، القاهرة؛ دارغریب للطباعة النشر*.
- محمود العتوم، مهی، (۲۰۰۷م)، *الازدواجیة اللغویة فی الأدب - نماذج شعریة تطبیقیة*، *مجله اتحاد الجامعات العربیة للآداب*، مج ۴، عدد ۱، الصفحة ۱۶۷ الى ۱۸۳.
- الملائكة، نازک، (۱۹۹۳م)، *سایکولوجیة الشعر ومقالات أخرى*، بغداد؛ دارالشؤون الثقافیة العامة.
- نواز، محمد، (۲۰۰۸م)، *اللغة الانجلیزیة وأثرها على اللغة العربیة الإعلانیة*، اسلام آباد؛ الرسالة مقدمة لنیل درجة الدكتوراه، الجامعة الوطنیة للغات الحدیثة.
- نیازی، محسن و دیگران، (۱۳۹۲م)، *زبان و هویت؛ تبیین رابطهی زبان خارجی و هویت فردی، اجتماعی، فرهنگی و ملی*، فصلنامه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، شماره ۳۰.
- وادی، طه، (۱۹۸۵م)، *شعر شوقی الغنائی والمسرحی، مصر؛ دارالمعارف، ط ۳*.

هدسن، (۱۹۹۰م)، علم اللغة الاجتماعي، ترجمة محمود عبدالغنى عياد، القاهرة؛ عالم الكتب، ط ۳ .

Bloomfield, Leonard, (1933), *language*, Compton Printing, London.

dubois, jeantal,(1973), *dictionnaire de linguistique*, Larousse, paris . -

lado, robrel,(1957), *linguistics across cultures* ann arbor. the university of Michigan press.

P. trauth,Gregory,(1990),*routledge dictionary of language and linguistics*, Londo

macanmara.g.(1967), *the linguistic independence of bilinguals*. *Journal of Verbal Learning and Verbal Behavior*





پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني